

■ محمد رضا کائینی

در روزهای گذشته، خبر درگذشت فعال سیاسی نهضت ملی ایران و نیز پژوهشگر برکار آن، دوست ارجمندم، زنده‌یاد حمید سیف‌زاده موجب تأسف و دوستان و آشنا یان وی شد. او در نوجوانی به جرگه حامیان نهضت وارد شد و با وجود سن اندک، «جمعیت وطن پرستان قمی» را تشکیل داد. در سالیان بعد با الهام از اندیشه‌های آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و نیز رهبران حزب زحمتکش‌ان ایران، در زمره مخالفان سیاسی دکتر مصدق در آمد و در تبیین اندیشه‌های این طیف، تلاشی گسترده از خود نشان داد. او در عرصه پژوهش‌های تاریخی نیز فعال بود و آثاری چون «گواه تاریخ»، «بحران تاریخ»، «تقدیم به تاریخ» و «دفاع از تاریخ» را منتشر نمود. گمت و شنودی که پیش روی شماسنت، توسط مرحوم سیف‌زاده و درباره وقایع واپسین ماه‌های دولت دکتر محمدمصدق یا دکتر کریم سنجایی انجام گرفته است. امید می‌برم انتشار این سند تاریخی – که توسط آن مرحوم در اختیار نگارنده قرار گرفته است – موجب شادی روح آن دوست ارجمند و نیز آگاهی مضاعف تاریخ پژوهان نهضت ملی ایران باشد.

آقای دکتر می توانم بپرسم با وجود اینکه دکتر مصدق گفته بود قانون امنیت اجتماعی به وسیله شما، دولت نهضت از آنچه که شده است بعضی اشخاص ممکن است تصور کنند بنده از این قانون اطلاعی داشتم، باید عرض کنم، بنده مطلقاً و ابداً و اصلاً در تدوین این قانون وارد نبودم و اطلاع‌ای نداشتیم. (کریمی – آقای دکتر شایگان هم) آقای دکتر شایگان هم نبوده‌اند، ولی بنسند با این قانون مخالفت نکرده‌ام، زیرا این را در کادر دفاع ملی عرض کردم لازم می‌دانم، چون مدت‌ش موقت و برای مدت زمان محدودی بوده است که به‌زودی گویا چند روز دیگر، باقی نمانده است.

دوره هفدهم که چنین بیان داشته‌اید: «دکتر سنجایی – یکی قانون امنیت اجتماعی است. بعضی اشخاص ممکن است تصور کنند بنده از این قانون اطلاعی داشتم، باید عرض کنم، بنده مطلقاً و ابداً و اصلاً در تدوین این قانون وارد نبودم و اطلاع‌ای نداشتیم. (کریمی – آقای دکتر شایگان هم) آقای دکتر شایگان هم نبوده‌اند، ولی بنسند با این قانون مخالفت نکرده‌ام، زیرا این را در کادر دفاع ملی عرض کردم لازم می‌دانم، چون مدت‌ش موقت و برای مدت زمان محدودی بوده است که به‌زودی گویا چند روز دیگر، باقی نمانده است. (متعمد دماوندی – باید تمدید شود. قانون بسیار خوبی است.) (شمس قنات آبادی اما متأسفانه باید بگویم کوچک‌تر نین استفاده‌ای از آن نشده است. ماجراجوها هر کاری خواسته‌اند کرده‌اند و هیچ اقدامی هم نشده است.) دکتر سنجایی –سوءاستفاده‌ای هم نبوده است. (شمس قنات آبادی – کمال سوءاستفاده از آن نشده است. سراغ آنها که احلال می‌کردند نرفتند.) دکتر سنجایی –مورد دیگر قانون مطبوعات است.» آقای دکتر برقراری حکومت نظامی تقریباً در تمام دوران حکومت مصدق و تدوین قانون امنیت اجتماعی و اخذ اختیارات از مجلس و رفتارندوم به نفع و مفید به تحکیم حکومت، کشور و نهضت بود یا نه؟

حکومت نظامی تأثیر نداشت. با قانون امنیت اجتماعی طرفداران نهضت را تبعید کردند. مثل افراد حزب ایران در بندر گز و غیره. البته از دل قانون اختیارات، قوانین خوبی تنظیم شد. البته چون این قوانین مجریان خوبی نداشت، فایده‌ای نبخشد. با رفتارندوم هم، همان‌طور که در کتابم نوشته‌ام، مخالفم را با آن، به مرحوم دکتر مصدق صریحاً گفتم و مخالف بودم.

پس با قانون امنیت اجتماعی موافقین دولت و نهضت را سرکوب می‌کردند و قانون اختیارات هم با اینکه به نظر جنابعالی قوانین خوبی از آن تدوین شد، چون مجریان ناصالح بودند نتیجه مطلوب چندانی از آن عاید نشد. حکومت نظامی هم که تأثیر مثبتی نداشت. رفتارندوم هم که شما با آن مخالفت کردید و مشروحاً دلایل خود را ایشان ابرز از داشتید. سؤال آن است که با وجود دلایل متقن دال بر اکثریت داشتن دولت در مجلس و بودن راه آبه‌تراکسیون، مسلماً شاه نه محق و نه قادر به عزل دکتر مصدق بود. آیا می‌توان تصور کرد مرحوم دکتر متوجه جریانات امر و امکان عزل خود در نبودن مجلس نبود؟

خیر، البته ما در آن جزئی توانستیم در مورد سقوط او و دولت صریح و مستقیم اشاره کنیم، اما تلویحاً درباره تثبیت دولت در مجلس و خطرات انحلال مجلس و رفتارندوم با ایشان مذاکره کردیم.

شما چگونه مخالفت خود را با رفتارندوم به دکتر مصدق ابرز از کردید؟

در کتابم نوشته‌ام، ایشان در مورد رفتارندوم نظرم را خواستند. با این بیان که این مجلس مسا را خواهد زد و طریق رفتارندوم را بازگو کردند. گفتم: اولاً شما در مجلس، اکثریت قاطع را دارید و هیچ نگرانی در این باره نداشته باشید، اما راجع به رفتارندوم، شما قائم به مجلس هستید و اگر مجلس نباشد، شاه زودتر دستش برای زدن دولت شما باز می‌شود، مخصوصاً اینکه سنت به این جاری بوده است که همیشه در هنگام فترت، عزل و نصب نخست‌وزیران با شخص پادشاه است که البته طبیعی و منطقی است. تنها جوابی که به من داد این بود که: شاه جرئت این کار را ندارد!

اگر فرض را بر این بگیریم که استیضاح مرحوم زهری در مجلس، همان‌طور که مرحوم دکتر مصدق معتقد بود به رای عدم اعتماد به دولت و سقوط او منجر می‌شد، آیا تمکین به آن گذشته از اطاعت و تسلیم در برابر قانون اساسی و سوق دادن جامعه به تمرین

دکتر کریم سنجایی



گفت‌وشنود منتشر نشده زنده‌یاد «حمید سیف‌زاده» با «دکتر کریم سنجایی» درباره وقایع واپسین ماه‌های دولت دکتر محمد مصدق

# مخالف قانون امنیت اجتماعی و رفتارندوم انحلال مجلس بودم

دموکراسی و تسلیم در برابر قانون به نفع کشور، ملت و نهضت از آنچه که شده است نبود؟ حداقل شما و دیگران بودید تا مانع دیکتاتوری و سرکوب نهضت و خفقان عمومی شوید؟

چرا، اگر رفتارندوم نشده بود، ما می‌توانستیم در آن فرض هم حداقل با یک عده ۳۰ نفری، یعنی یک اقلیت قوی، با حکومت‌های بعدی مخالفت و در انتخابات بعدی هم فعالیت کنیم، اما با رفتارندوم و کودتای ۲۸ مرداد، همگی خلع سلاح شدیم و عده‌ای به زندان و تبعید دچار شدند و بعضی هم مثل من، حبسی و عده‌ای دیگر، ناچار به اخفاج شدیم.

به نظر شما، دکتر طاهری، و کیل یزد یک رجل وابسته به اجنبی بود؟

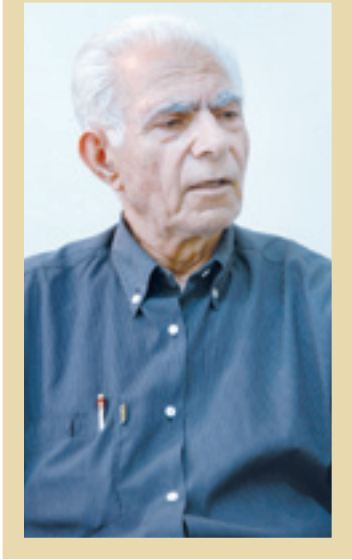
بله، او اشتها به وابستگی به سیاست انگلستان داشت و این اشتها عمومی را هم تکذیب نمی‌کرد! حائری‌زاده یا او مخالف بود و هر دو کاندیدایی برای مسئولیت فرهنگ در یزد داشتند. من شخص مورد نظر حائری‌زاده را به آن سمت برگزیدم. دکتر طاهری به من گفت: «کار خوبی کردی که تسلیم حائری‌زاده شدی؟» گفتم: «ه!» پرسید: «پس چرا این شخص را مسئول فرهنگ یزد کردی؟» گفتم: «خودم را از دست دیوانه خلاص کردم و پناه به عاقل جستم!» گفت: «هائیم راستی!»

اتلاف با حزب توده که به طور هم‌کارانه در دموکرات اتلاف داشت، به آن‌همی که در کتاب خود نوشته‌اید، بنا بر مصلحتی و به توصیه قوام‌السلطنه بوده است، آیا آن مصلحت را که مورد نظر داشتید به دست آوردید یا خیر؟

کاردانی و ذکاوت قوام‌السلطنه کار را تمام کرد و... منظورم آن است که الان که به آن اتلاف نگاه می‌کنید آیا به عنوان یک اشتباه یا حسن نیت تلقی می‌کنید یا یک مصلحت لازم‌روز؟

بله، آن روز مصلحت بود، ولی اگر قوام توفیق نمی‌یافت، مصلحت مورد نظر ما پیش می‌آمد. در یکی از جشن‌ها که به مناسبت این اتلاف برگزار می‌شد، قرآن در آوردم و پیشه‌وری را قسم دادم که به ایران خیانت نکند!

در قیام ملی ۳۰ تیر جنابعالی در لاهه بودید، اما بعد که به تهران آمدید روزی که دکتر بقایی در مجلس از معاون وزیر دادگستری سؤال کرد و درباره عدم تعقیب قوام و دیگر متهمین کشتار مردم توضیح می‌داد، پس از جواب آن مقام، اگر یادتان باشد او مجدداً توضیح داد و با بیان اینکه جواب‌ها قانع‌کننده نیستند، اظهار کرد: این مزخرفات چیست؟ مردم کشته‌داده‌اند تا این تشریفات دست و پاگیر را اقلاب برای مجازات متهمین به قتل مردم از بین ببرید. به خاطر همین مطلب، مرحوم دکتر مصدق



دکتر مصدق در مورد رفتارندوم نظرم را خواستند. با این بیان که این مجلس ما را خواهد زد و طریق رفتارندوم را بازگسو کردند. گفتم: اولاً شما در مجلس، اکثریت قاطع را دارید و هیچ نگرانی در این باره نداشته باشید، اما راجع به رفتارندوم، شما قائم به مجلس هستید و اگر مجلس نباشد، شاه زودتر دستش برای زدن دولت شما باز می‌شود، مخصوصاً اینکه سنت به این جاری بوده است که همیشه در هنگام فترت، عزل و نصب نخست‌وزیران با شخص پادشاه است که البته طبیعی و منطقی است. تنها جوابی که به من داد این بود که: شاه جرئت این‌کار را ندارد!

این هم نظری است، البته من در مورد خطرات حزب توده یا دکتر مصدق صحبت کردم، ایشان گفت من تاکنون سه بار سوار آنها شده‌ام، ولی مواردش را نگفت!

در همین جا صحبت ما که حدود پنج ساعت به درازا کشید خاتمه یافت و با منتهای لطف و صمیمیت در میان بدرقه خانم و آقای سنجایی مرخص شدم. لازم به تأکید است، آنچه بیان شده، عین یا عصاره بیانات ایشان است. هر چند ممکن است مطالبی هم در ذهن نمانده باشد، اما هرگز تحریف یا تغییری در گفته‌های ایشان نندادم.

پینوشت‌ها:

۱- برای شناسایی فلاح به این قسمت صحبت قنات آبادی که در جلسه ۵۱ مجلس هفدهم تاریخ چهارم دی‌ماه سال ۱۳۳۱، صفحه ۵ کرده است، توجه فرمایید: «اینجا محلی است که نمایندگان ملت حق دارند. آنچه وسیله ملت به آنها یادآوری می‌شود یا تذکراتی که به فکرشان می‌رسد به نام ملت بیابند و عرض کنند. الان دو روز است که این موضوع هیئت مدیره شرکت ملی نفت مطرح است. از تهران و ابادان عده‌ای اینجا آمده و نسبت به کسانی که انتخاب شدند مثل دکتر فلاح اعتراض کرده‌اند. (ناصر ذوالفقاری – صحیح است) حتی در همین امروز در اینجا مطلبی شنیدم. زمانی که در کمیسیون نفت مطالب مربوط به نفت مطرح بود، آن کسانی که از طرف انگلیسی‌ها با بعضی از آقایان صحبت و خیال می‌کردند می‌توانند آنها را اغفال کنند یکی از آنها دکتر فلاح بود که آقای ذوالفقاری و آقای فرامرزی هم فرمودند.



دربرابر دکتر کریم سنجایی در کنار دکتر مصدق و حسین مکی در تهران ۱۳۲۹.

اهل سوء استفاده مالی و دزدی نبود. روزی که متصدی شرکت ملی نفت بود، خواهرزاده یا برادرزادام<sup>(۷)</sup> خواهان استخدام در شرکت نفت بود. روزی همراهش به ساختمان شرکت نفت رتم و برای ملاقات او مراجعه کردم. باقاصله مرا پذیرفت. پس از تعارفات و... گفتم: «روزی که مدیر کل وزارت فرهنگ زمان رضاشاه بودم، جوان زیبا و خوش‌سیمایی که تازه از رنگ‌برگشته بود مشاط من هم. با اینکه لازم نبود... تلفنی به آنجا دستور دادم تقاضایی برای استخدام بفرستند. آن جوان را برای تدریس در دانشگاه استخدام و معرفی کردم. شما او را می‌شناسید؟» گفتم: «بله، آن جوان من بودم!» گفتم: «پس امروز آن جوان را برای تدریس در دانشگاه استخدام یا خواهرزاده –را صادر فرمایید!» او هم فوراً اجابت کرد.

آقای دکتر در یادداشتی که به‌طور خلاصه بررسی شده بود، دیدم آنچه را کاشانی، بقایی، مکی و غیره نسبت به دکتر مصدق از ۳۰ تیر ابراد داشتند، تماماً منطقی و وارد بود، مثل قانون اختیارات و تضعیف و انحلال مجلس و هم اینکه دکتر مصدق در هیچ یک از مکاتبات خود، نسبت به آنان اتهامی ذکر نکرده است. در این هم نمی‌توان شک کرد دکتر مصدق یک رجل ملی و غیروابسته بود و با درک وافر خود، نسبت به بن‌بست رفتن راه‌های اقتصادی و ملی و وارد بود، در جواب اینکه چرا به بیراهه می‌رفت باید گفت: او مصلحت‌مهم‌تری را در نظر داشت که دیگران به اندازه او از آن مطلع نبودند و آن خطر حزب توده بود! او می‌دانست حزب توده با آن همه تشکیلات منظم و آن خطر حزب توده بود! او می‌دانست افسری و درجه‌دار که در ارتش دارد و با آن قدرت تشکیلاتی سیاسی

حمید سیف‌زاده

دکتر مصدق در مورد رفتارندوم نظرم را خواستند. با این بیان که این مجلس ما را خواهد زد و طریق رفتارندوم را بازگسو کردند. گفتم: اولاً شما در مجلس، اکثریت قاطع را دارید و هیچ نگرانی در این باره نداشته باشید، اما راجع به رفتارندوم، شما قائم به مجلس هستید و اگر مجلس نباشد، شاه زودتر دستش برای زدن دولت شما باز می‌شود، مخصوصاً اینکه سنت به این جاری بوده است که همیشه در هنگام فترت، عزل و نصب نخست‌وزیران با شخص پادشاه است که البته طبیعی و منطقی است. تنها جوابی که به من داد این بود که: شاه جرئت این‌کار را ندارد!

این هم نظری است، البته من در مورد خطرات حزب توده یا دکتر مصدق صحبت کردم، ایشان گفت من تاکنون سه بار سوار آنها شده‌ام، ولی مواردش را نگفت!

در همین جا صحبت ما که حدود پنج ساعت به درازا کشید خاتمه یافت و با منتهای لطف و صمیمیت در میان بدرقه خانم و آقای سنجایی مرخص شدم. لازم به تأکید است، آنچه بیان شده، عین یا عصاره بیانات ایشان است. هر چند ممکن است مطالبی هم در ذهن نمانده باشد، اما هرگز تحریف یا تغییری در گفته‌های ایشان نندادم.

پینوشت‌ها:

۱- برای شناسایی فلاح به این قسمت صحبت قنات آبادی که در جلسه ۵۱ مجلس هفدهم تاریخ چهارم دی‌ماه سال ۱۳۳۱، صفحه ۵ کرده است، توجه فرمایید: «اینجا محلی است که نمایندگان ملت حق دارند. آنچه وسیله ملت به آنها یادآوری می‌شود یا تذکراتی که به فکرشان می‌رسد به نام ملت بیابند و عرض کنند. الان دو روز است که این موضوع هیئت مدیره شرکت ملی نفت مطرح است. از تهران و ابادان عده‌ای اینجا آمده و نسبت به کسانی که انتخاب شدند مثل دکتر فلاح اعتراض کرده‌اند. (ناصر ذوالفقاری – صحیح است) حتی در همین امروز در اینجا مطلبی شنیدم. زمانی که در کمیسیون نفت مطالب مربوط به نفت مطرح بود، آن کسانی که از طرف انگلیسی‌ها با بعضی از آقایان صحبت و خیال می‌کردند می‌توانند آنها را اغفال کنند یکی از آنها دکتر فلاح بود که آقای ذوالفقاری و آقای فرامرزی هم فرمودند.

فرامرزی – با همه صحبت کردند نه با من (تنها)

پس از این ایام دو فکر در آنها به وجود آمده بود، یکی وحشت از آینده و شکست و دوم به دست گرفتن قدرت و جانشینی مصدق!

یکی از اختلافات آیت‌الله کاشانی، بقایی و مکی با دکتر مصدق، بر سر انتصابات او بود. مثل سهام‌السلطان بیات، برای شرکت ملی نفت، یا سر تیپ دفتری و سر لشکر و نوق و شاپور بختیار که سند جاسوسی‌اش در خانه سدان به دست آمد. آیا به نظر جنابعالی اینها افراد خدمتگزار و ملی بودند؟

فلاح<sup>(۸)</sup> از نظر فنی کارآمد بوده است، گرچه تا قبل از انقلاب در شرکت ملی نفت بود، سرلشکر و نوق اگرچه مردم کرمانشاه را در کاروانسرای سنگی تهران مضروب و مجروح کرد، اما دکتر مصدق، پدر او را مردی وارسته می‌دانست!

سر تیپ دفتری هنگامی که دستگیری او از طرف خود دکتر مصدق صادر شده بود، از طرف خود او به



## “

در اینکه دکتر بقایی مسلماً در جریان قتل افشارطوس در معیت افسران باز نداشت، دخالت داشته است تردیدی نیست. دکتر بقایی با هوچی‌گری در مورد شکنجه متهمین، جو را خراب می‌کرد و نمی‌گذاشت امور از مجرای طبیعی آن انجام شود، اما اینکه چرا کمیسیون سلب مصونیت از او نکرد، زیاد یادم نیست!

نهضت ملی

دکتر کریم سنجایی در کنار دکتر شایگان و مظفر بقایی در دوران برج‌کوبی